

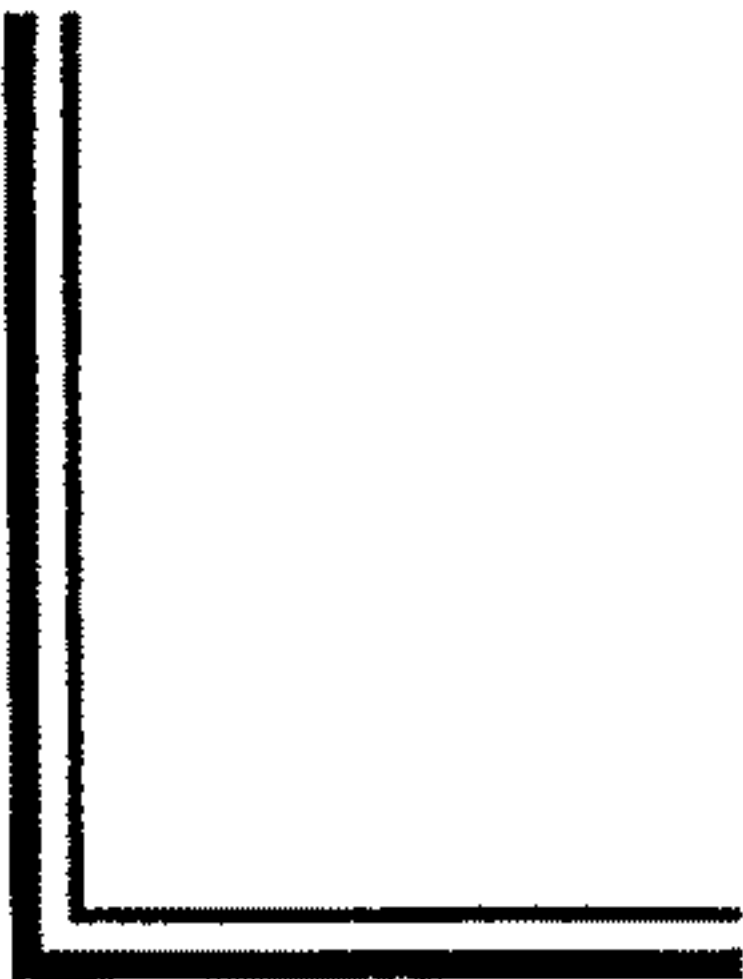
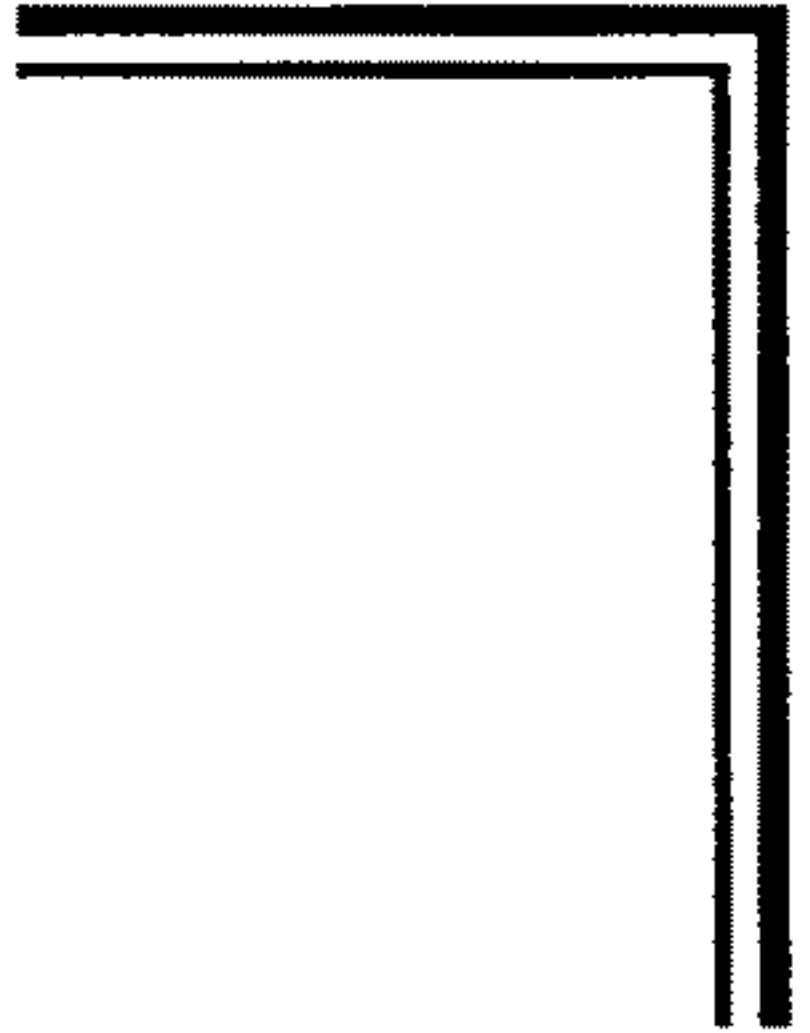
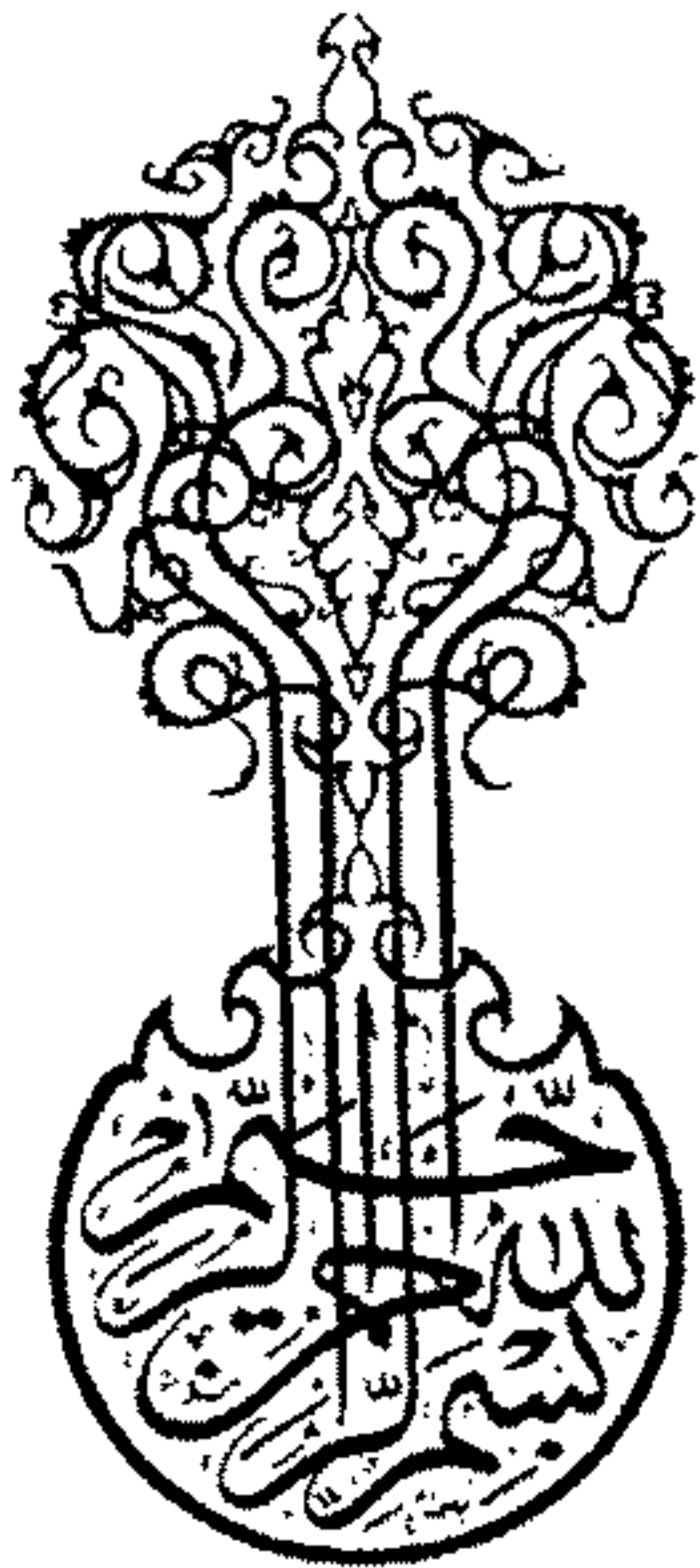
عبدالرحمن بن محمد بن عثمان

# جامعہ اسلامیہ اسلامیہ



استاد محمدرضا حاج شریفی خوانساری





# جامعہی منتظر

حضرت مہدی (عج)

محمدرضا حاج شریفی خوانساری

## \* جامعہ ہی منتظر حضرت مہدی (عجّ) \*

مؤلف: ..... استاد محقدرضا حاج شریفی خوانساری

ناشر: ..... انتشارات حلم

چاپ: ..... گنج معرفت

نوبت چاپ: ..... اول / ۱۳۸۶

قطع و تعداد صفحات: ..... جیبی - ۸۸ صفحہ

تیراژ: ..... ۵۰۰۰ نسخہ

حروفچینی و طراحی جلد: ..... موسوی - ۷۷۴۷۳۹۳

قیمت: ..... ۵۰۰ تومان

شابک: ..... ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۴۹۰ - ۴۲ - ۲



## فهرست مطالب

- مقدمه: ..... ۹
- امید و آرزو: ..... ۱۴
- انتظار مصلحی بزرگ: ..... ۱۹
- وظایف منتظران: ..... ۲۹
- نشانه‌های ظهور: ..... ۴۱
- علت غیبت: ..... ۷۳
- منابع و مآخذ: ..... ۱۳



اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ

تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ.

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ

تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ.

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ

تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي<sup>(١)</sup>.

١- اصول کافی: ج ١، ص ٣٣٧؛ کمال الدین: ج ٢، ص ٣٤٢؛

غیبت نعمانی: ص ١٦٦؛ غیبت طوسی: ص ٣٣٤.



خدایا؛ خودت را به من بشناسان،  
زیرا اگر خودت را به من نشناسانی  
پیامبرت را نیز نخواهم شناخت.

پروردگارا؛ پیامبرت را به من  
بشناسان، زیرا اگر پیامبرت را به من  
نشناسانی حجّت تو را نیز نخواهم  
شناخت.

بارالها؛ حجّت و نماینده ات را به من  
بشناسان، زیرا اگر حجّتت را به من  
نشناسانی، در دینم گمراه و سرگردان  
می‌شوم.



## ● مقدمه:

«باسم الله تعالى وله الحمد والثناء»

این اوراق معدود، نمی‌ازیمی بی کران پیرامون  
قطب دایره‌ی امکان حضرت ولی عصر امام زمان  
- یملاً الله به الأرض الأمن و الأمان - است که در حدّ  
مقاله‌ی کوتاهی در جوار مزار شریف جدّ  
بزرگوارشان حضرت ثامن الحجج علی بن موسی  
الرّضا - علیه آلاف التحيّة والثناء - در ایّام مسافرت  
قلمی گردید.





آن امام همام، در بین اشعار «دِعْبِلِ خُزَاعِي»<sup>(۱)</sup>  
 دو بیت فرمودند که ظهور قائم آل محمد - صلی الله  
 علیه و آله - را چنین بشارت داده‌اند:

وَقَبْرٌ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ

تَوَقَّدَ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحَرَقَاتِ

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا

يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ<sup>(۲)</sup>

و آرامگاهی در شهر طوس (مشهد) است که وای

۱- در سال ۱۴۸ ق، در کوفه متولد و در سال ۲۴۶ ق  
 درگذشت. از شعرای عالیقدر و ارادتمند اهل بیت عصمت و  
 طهارت عليه السلام بوده و دارای دیوان و کتابی در طبقات شعرا  
 می‌باشد.

۲- عیون اخبار الرضا عليه السلام: ج ۲، ص ۶۵۱. کمال الدین:  
 ص ۳۷۴. مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۴۵۰. بحار الانوار:  
 ج ۴۹، ص ۲۳۹. اعلام الوری: ج ۲، ص ۶۷. ینابیع المودّة: ج ۳،  
 ص ۳۰۹: «.....الحت علی الأحشاء بالزفرات».

جامعه‌ی منتظر حضرت مهدی (عج)





از غم و اندوهش، آن قبر تا قیامت بر جان شرر زده.  
تا آن گاه که خداوند قائمی برانگیزد، و  
تسلّی بخش درد و رنجمان باشد.

... و اکنون ستارگان درخشان فقاہت و مرجعیّت  
نوّاب عامّش می‌باشند، و اینک که این سطور را  
می‌نگارم، بقیّة السّلفی از آنان، اسوهی حریت و  
ایمان، آیه الله العظمی حاج آقا حسن طباطبائی قمی  
در ایّام شهادت جدّهی مظلومه‌اش، حضرت  
فاطمه‌ی زهرا علیها السلام پس از یک قرن عمر با برکت در  
کنار مضجع جدّش حضرت رضا علیه السلام آرמיד.

امید آنکه خدای سبحان ما را از محبّان و  
پیروان راستین بقیّة الله الأعظم امام زمان - روحی و  
ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - قرار دهد و از



شروع و فتن رنگارنگ آخر الزمان محفوظ بدارد و از  
منتظران واقعی آن خورشید پنهان قرار دهد؛ بمنت  
و کرمه.

مشهد مقدّس

محمّد رضا الحاج شریفی الخوانساری

خرداد ۱۳۸۶ = جمادی الاولی ۱۴۲۸

جامعه‌ی منتظر حضرت مهدی (عج)







## ● امید و آرزو:

امید و آرزو از ویژگی‌های انسان است که با سرشت و فطرتش در آمیخته.

امید از روی عقل و خرد است و به چیزی نشدنی تعلق نمی‌گیرد، ولی آرزو گاه با خرد هماهنگ است و گاه نه، و به چیزهای نشدنی نیز تعلق می‌گیرد.

امیدوار به دنبال امیدش گام بر می‌دارد و امیدش برای او آرمانی می‌گردد که در پی اوست، ولی آرزومند فعالیتت نمی‌کند و در انتظار رسیدن به آرزویش اوقات خود را سپری می‌کند.



گاه امید فرد، برای اجتماع است، مانند امید سلامت، سعادت و عدالت در جامعه، و این اختصاص به دین و مذهبی ندارد.

گامی که افراد امیدوار جامعه برای رسیدن به امیدهایشان بر می‌دارند، باید ریشه‌ای باشد، نه ظاهری. امیدواران سلامت جسمی جامعه باید ریشه‌ی بیماری‌ها را بخشکانند، نه آنکه به مداوای بیماران بسنده نمایند.

چه بسیار امیدوارانی که برای رسیدن به آزادی با ستمگران مبارزه کردند، ولی ستمگر دیگری با شکل و شمایل واسم‌ورسم تازه‌ای جایگزین گردیده. با ستم و ظلم باید مبارزه کرد که مبارزه‌ی با ستمگر را هم فرا می‌گیرد، باید ریشه‌های ستم را از بین برد و آن را ریشه‌کن نمود.



در راه رسیدن به امید با رفتار و کرداد باید  
کوشید و بیان و گفتار تنها ثمربخش نخواهد بود.  
به نظر فلاسفه «قسر دایم» در طبیعت محال  
است، به این معنی که نمی‌شود حقیقتی از حقائق  
هستی در دوره‌ی روزگارش از خواسته‌ی طبیعیش  
محروم باشد، مثلاً نیرویی باشد که دائماً از حرارت  
آتش جلوگیری کند.

حتی «قسر اکثری» را هم محال دانسته‌اند که مثلاً  
آتش در بیشتر دوره‌ی عمرش در هستی از اقتضای  
طبیعتش محروم شود.

پس هر طبیعتی در بیشتر دوره‌ی عمرش به  
خواسته‌ی طبیعتش می‌رسد؛ طبق این نظریه‌ی فلسفی  
نمی‌شود که روزگار عدل و داد برای همیشه وجود  
نداشته باشد و همواره دوران ظلم و ستم باشد.





بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر

بار دگر روزگار چون شکر آید (۱)

این نظریه‌ی فلسفی می‌گوید:

قصر انسانیت در عمر انسانیت محال است؛

چنانچه در بیشتر عمر آن نیر محال خواهد بود.

پس روزگاری خواهد آمد که روزگار انسانیت باشد.

عمر حیوانیت که بر بشر حکومت می‌کند، سپری است

ورفتنی. و عمر حکومت انسانیت بر بشر درازتر از عمر

حکومت حیوانیت خواهد بود.

به یقین، روزی خواهد آمد که بشر از اسارت و

بردگی حیوان صفتان، رهایی یابد و در سایه‌ی مهر

انسان‌ها زیست کند و زندگی نماید.

شاید منظور مولا علی که فرمود:





«برای حق دولت و حکومتی پایدار است، و برای باطل جولانی گذرا (که تمام می شود)».

«لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ وَ لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ»<sup>(۱)</sup> نیز، همین

باشد.<sup>(۲)</sup>

فلسفه‌ی جبر تاریخ (دترمینیسم هیستریک)<sup>(۳)</sup>

می‌گوید: علی‌رغم آنکه می‌بینیم تاریخ زندگی و

نظام‌های اجتماعی به نفع طبقه‌ی حاکم پیش

می‌رود، محرومان و مظلومان هر روز در چنگال

ستمگران حاکم محروم‌تر و مظلوم‌تر می‌شوند، ولی

تاریخ براساس جبر حرکت می‌کند و سرانجام ظلم

از بین می‌رود و عدالت که با خرد سازگار است

حکمفرما می‌شود.

۱- غررالحکم: ج ۲، ص ۵۸۰.

۲- راه مهدی: ص ۲۶-۲۵ (با تلخیص).

۳- Deter minisme historike.



## ● انتظار مصلحی بزرگ:

امید نهایی انسان‌ها، رسیدن به عدالتی واقعی و جهان شمول است، و در تمام ادیان و مذاهب و ملل از مصلحی غیبی، و عدالت گسترده جهانی خبر داده‌اند - هرچند بعضی در مصداق دچار اشتباه شده‌اند -؛ در این میان مسلمانان اتفاق داشته‌اند که آن منجی بزرگ که طبق حکمت و عدل الهی جهان را پراز عدل و داد خواهد نمود، حضرت حجّة بن الحسن العسکری - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - است.





کتب آسمانی از او خبر داده و تأویل برخی از آیات قرآن کریم، آن وجود مقدّس است؛ در احادیث بسیاری مژده‌ی آمدنش داده شده و کتب فراوانی پیرامونش به رشته‌ی تحریر در آمده.

در کلام الله مجید، پیرامون حضرتش چنین آمده:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَ نَمَكِّنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (۱)

«ما خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم، و آنان را پیشوایان (راستین) و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم.»

حضرت علی عليه السلام درباره‌ی این آیه‌ی کریمه

می فرماید:

«مستضعفان یاد شده در قرآن که پروردگار اراده‌ی پیشوایی آنان را نموده، ما خاندان پیامبریم، و خداوند مهدی این خاندان را برانگیزد، و توسط او آنها را به عزّت و عظمت رساند، و دشمنانشان را دچار ذلّت سازد.»<sup>(۱)</sup>

همچنین در «نهج البلاغه» فرماید:

«دنیا پس از چموشی - مانند شتری که از دوشیدن شیرش (به خاطر بچه‌اش) خودداری می‌کند - با مهربانی چون مادر نسبت به بچه‌اش روی آورد [آنگاه آیه‌ی مذکور را تلاوت فرمود]»<sup>(۲)</sup>

۱- بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۶۳: «المُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ، الْمَذْكُورُونَ فِي الْكِتَابِ الَّذِينَ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ أُمَّةً، نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُدِلُّ عَدُوَّهُمْ.»

۲- نهج البلاغه (عبده): ج ۴، ص ۴۷؛ خصائص الأئمة: ج ۱



رسولان الهی و جانشینان معصومشان هر یک  
برای اصلاح جامعه و برقراری عدل و قسط توسط  
پروردگار فرستاده شدند، و هر کدام گام‌های بزرگی  
را در این راه برداشتند، اما حیوان سیرتان که منافع  
دنیویشان را در مخاطره دیدند، مجال استمرار  
پیروزی ظاهری حق و حقیقت را ندادند، و هر کدام  
را به گونه‌ای مظلومانه به شهادت رساندند، هر چند  
سبب پیروزی واقعی حق گردید.

آخرین آن برگزیدگان خدای سبحان؛ مهر تابان  
و حجت یزدان، امید امیدواران و پناه بی پناهان،  
منجی عالمیان از ظلم و طغیان، حضرت  
صاحب الزمان - يَمْلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ الْأَمْنُ وَالْأَمَانُ -

ص ۷۰؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۶۷ و ج ۵۱، ص ۶۴؛ شرح نهج  
البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۹، ص ۲۹ «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ  
شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرْوِيسِ عَلَى وَلَدِهَا».

بوده است.

حضرتش در پگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری  
در شهر سامرا جهان را با نور خود روشن  
گردانیده. (۱)

پس از هفتاد و چهار سال غیبت صغری (۲) و  
کوتاه مدت) در نیمه شعبان سال ۳۲۹ قمری طبق  
مصالح عالی‌هی الهی، برای صیانت آن وجود  
گرانمایه و بقاء حجت ربوبی در زمین، تا زمان

۱- غیبت شیخ طوسی: ص ۱۵۱ - ۱۳۷. ینابیع الموده: ص  
۴۴۹ - ۴۵۲.

۲- ارشاد مفید: ج ۲، ص ۳۴۰؛ برخی دیگر از علما نیز مانند  
مرحوم «شیخ مفید» آغاز غیبت صغری را از زمان ولادت آن  
حضرت تا روز وفات آخرین نائب خاص ایشان «علی بن محمد  
سمری» دانسته‌اند؛ و برخی هم از زمان امامت آن بزرگوار، و از  
سال ۲۶۰ قمری ذکر کرده‌اند، مانند مرحوم «طبرسی» در اعلام  
الوری؛ ص: ۴۱۶.





مقتضی در پس پرده‌ی غیبت کبری (و بلند مدّت)  
قرار گرفت، و بسان خورشیدی درخشان در پشت  
ابرهای غمبار زمان پنهان گردید، و با این حفاظ  
طبیعی، به طور ناشناس در بین مردمان به زندگی  
پربار و پربرکتشان ادامه می‌دهند.

اینک - که سال ۱۴۲۸ قمری می‌باشد - ۱۰۹۹  
سال است که آن قبله‌ی مشتاقان و جان جانان به  
امر یزدان رخ نهان نموده و ۱۱۷۳ سال از عمر  
شریفش سپری می‌شود، و منتظران ظهور  
موفورالسّوروش مشتاقانه انتظارش را می‌کشند که  
محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند است،<sup>(۱)</sup> و  
رسول خدا ﷺ در این باره فرموده:

۱- من لا یحضره الفقیه: ج ۴، ص ۳۸۳، (روایات فراوانی با  
مضامین گوناگون در کتب مختلف برای أجر و پاداش بی‌کران  
منتظران ظهور آن حضرت آمده است).



«با فضیلت‌ترین کارهای اتم انتظار فرج کشیدن  
(برای ظهور آن حضرت است)»<sup>(۱)</sup>.

أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَهْدِيُّ مَدَامَ الْوَصْلِ نَاوِلُهَا

که در دوران هجرات بسی افتاد مشکل‌ها

صبا از نکبت کویت نسیمی سوی ما آورد

ز سوز شعله‌ی شوق چو تاب افتاد در دل‌ها

چو نور مهر تو تابید بر دل‌های مشتاقان

ز خود آهنگ حق کردند، بر بستند محمل‌ها

دل بی بهره از مهرت حقیقت را کجا یابد

حق از آینه‌ی رویت تجلی کرد بر دل‌ها<sup>(۲)</sup>

آری، چه دردها و رنج‌ها و فجایع جانکاهی که در

۱- کمال الدین: ج ۲، ص ۶۴۴؛ مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۵۲۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲، ص ۳۶؛ بحار الأنوار: ج ۵۰، ص ۳۱۸. «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ.»  
۲- شوق مهدی علیه السلام، ملا محسن فیض: ص ۸۲.



دوران هجران آن حجت یزدان بر پیکر اسلام و مسلمانان وارده شده که اکثراً نیز به نام دین و اسلام و حمایت از آن صورت گرفته که در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام نمایان است؛ و در این میان تنها و تنها انتظار منجی و مصلحی بزرگ و عدالت گستر عامل مقاومت و پایداری و دلخوشی حق‌گویان و حق‌جویان بوده است، و طنین پر صلابت کلام الهی آرامش بخش آنان، که فرموده:

«ای (پیامبر) بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم»

«قُلِ اِنْتَضِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ»<sup>(۱)</sup>

انتظار واقعی از تکامل ایمان به دست می‌آید که آثار آن از قلب و جان بر اعضا و جوارح انسان نمایان می‌شود و منجر به سعادت می‌گردد، انتظار، نوید



آرام بخش دل‌ها و مرهم مؤثر زخم‌های التیام  
نیافته‌ی جان‌هاست که از بیداد بیدادگران در هر  
زمان به ستوه آمده‌اند.

انتظار، یقین به پیروزی محتوم حق بر باطل در  
کلیه‌ی شئون اجتماعی می‌باشد؛ انتظار، حالت  
روحی کسی می‌باشد که از وضع موجود ناراضی  
است، و باید برای ایجاد وضع بهتری بدون هیچ  
ترس و اندوهی تلاش کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش  
منتظر ظهورش باشند، و در هنگام ظهورش  
فرمانبردارش، آنان اولیاء خدا هستند که نه هراسی به  
دل راه دهند و نه اندوهگین شوند»<sup>(۱)</sup>.

۱- کمال الدین: ج ۲، ص ۳۵۷: «طوبی لشیعۃ قائمینا المنتظرین»



رسول خدا ﷺ فرموده:

«اگر تنها یک روز هم از این دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی فرماید تا ظهور کند مردی از فرزندانم که نامش، نام من؛ و کنیه اش کنیه من باشد، زمین را پر از عدل و داد کند، چنانچه از ظلم و بی داد پر شده باشد.»<sup>(۱)</sup>

گفت پیغمبر رسول انس و جان

گر بماند روزی از عمر جهان

حق کند طولانی آن یک روز را

تا بیاید مهدی صاحب زمان

لِظُهُورِ غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

۱- بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۵ - ۷۴: «لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يُوَاطِي اسْمُهُ اسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِنطًا كَمَا مَلِكْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.»

جامعه منتظر حضرت مهدی (عج)



## ● وظایف منتظران:

انتظار فرج، مشتمل بر یقین به تحقق مقصود است، که غم را می‌زداید و سرور می‌زاید؛ مقصود از انتظار، نشستن و خوابیدن نیست، بلکه ادای وظیفه‌ای است که در تسریع ظهور حضرت مهدی علیه السلام دخالت دارد.

چنانچه مقصود، انتظار شخصی نیست، بلکه وظیفه‌ای است اجتماعی؛ چون انجام مقاصد اجتماعی، قدم‌های اجتماعی لازم دارد. مقصود از انتظار، آمادگی است، و آن دو مرتبه دارد:



نخستین مرتبه آن، انتظار روحی است و خوشدل بودن برای تحقق امید در آینده، و آن عبارت است از آمادگی برای قبول دعوت و زدودن مقاومت روحی برای رسیدن کسی که انتظار آمدنش هست.

دومین مرتبه‌ی آن، انتظار عملی است که اضافه بر انتظار روحی می‌باشد.

انتظار عملی، مانند آمادگی برای آمدن میهمان و پذیرایی از او، که غذا بایستی آماده باشد و با مقام میهمان و شخصیت او تناسب داشته باشد، محل نشستن او تمیز و آماده، خوابگاه و استراحتگاهش مرتب باشد.

کشاورز، وقتی انتظار باران را دارد که کشتی کرده باشد، بازرگان زمانی انتظار سود دارد که کالای خود



را آماده نموده و در معرض فروش گذارده باشد، و این انتظار، انتظار کامل خواهد بود.

هر دو مرتبه‌ی انتظار، بایستی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم باشد تا فرج همگانی تحقق پذیر شود.

منتظران نیز بر دو گونه‌اند: منتظران مرحله‌ی نخست که بسیاری از منتظران از این قبیلند. اینان،

کسانی هستند که از شدت ظلم و جور به تنگ آمده و آه می‌کشند و آرزومند منجی و رسیدن وی

هستند، ولی قدمی بر نمی‌دارند. این انتظار، چندان تأثیری در تسریع قیام آن حضرت ندارد.

آنچه که در تسریع قیام حضرت مهدی علیه السلام مؤثر است، انتظار در مرحله‌ی دوم است؛ هرچه شماره‌ی

منتظران این گروه افزوده شود، ظهور آن حضرت نزدیک‌تر می‌گردد.





انتظار فرج، بجز آمادگی کامل برای ظهور آن  
حضرت نیست. (۱)

و آن آمادگی زمانی می باشد که افراد جامعه به آن  
مرحله از رشد و کمال برسند که با حکومت الهی او، و  
با یکدیگر به عدالت رفتار نمایند، و از کرداد و گفتاری  
نیکو و مهدی پسند برخوردار گردند؛ تقوا پیشه و حق  
یاور و باطل ستیز باشند و با ظلم و ستم در هر ماسک و  
عنوانی که باشد به مقدار امکان و توان مبارزه نمایند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام محسوب  
شود، باید آماده باشد، و در آن حال به پارسایی و  
اخلاق پسندیده عمل نماید؛ (در این صورت) اگر پس  
از مردن وی هم قیام قائم علیه السلام فرا رسید، اجر و پاداش او



مانند همان کسی می باشد که حضرتش را درک نماید.»<sup>(۱)</sup>

از این راهکار نورانی و عرشی، نکات فردی و اجتماعی ذیل استفاده می شود:

۱ - علاقه و شوق به آنکه از یاران آن حضرت باشد؛ چنین اشتیاقی از اعتقاد به مبدأ و معاد بر می خیزد و سبب خودسازی می گردد، آنکه علاقه‌ی واقعی به بودن جزو یاران حضرت مهدی علیه السلام دارد، تمام امور زندگی فردی و اجتماعی خود را به گونه‌ای انجام می دهد که مورد رضایت مقتدا و محبوبش باشد و هیچ کاری که سبب ناراحتی او گردد انجام ندهد، تا

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۰۰. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۰۴:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ.»



حضرتش او را از جمله‌ی یاورانش بپذیرد، و در پذیرش مردود نگردد.

۲- امید کامل و آمادگی لازم برای یاری حضرت؛ امیدواری حیات بخش است و زمینه ساز تهذیب نفس، امیدواری نیروبخش و تحرک زا برای سازندگی بهینه است؛ انسان امیدوار، آماده است و فرد آماده می‌تواند از عهده‌ی مسئولیت هدفش برآید. آنکه آمادگی لازم برای پذیرایی میهمان را ندارد، منتظر واقعی نمی‌باشد و بجز شرمساری نصیبش نمی‌گردد.

۳- پارسا و پرهیزکار باشد و ترک محرمات و شبهات نماید؛ که سبب خودسازی و دگر سازی می‌گردد؛ انسان‌ها بیشتر از آنکه با زبان به حق بگردند با دیدن پارسایی واقعی مجذوب حقیقت



می‌شوند. فردی که تقوای الهی پیشه نموده و از گناهان و امور شبهه‌ناک دوری می‌جوید می‌تواند ادعای انتظار مقتدای معصوم و پروا پیشه‌ای را بنماید.

۴- در روابط اجتماعی از حسن اخلاق بهره‌مند باشد؛ رذایل اخلاقی و خصلت‌های حیوانی را از خود بزداید تا انسانیتش سبب دعوت عملی دیگران گردد. کسی که چنین باشد می‌تواند انتظار یاری و خدمت‌گزاری رهبری را داشته باشد که در کمال انسانیت و شرافت و حسن خلق است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«زمانی برای مردم خواهد آمد که امامشان در غیبت

باشد.»

«زراره» می‌پرسد: در آن زمان مردم چه کنند؟





حضرت پاسخ می دهد:

«تمسک به امری نمایند که بر ایشان می باشد، تا امامشان ظهور کند»<sup>(۱)</sup>

بدیهی است که انجام وظایف و تکالیف شرعی هر فرد مسلمانی، در زمان غیبت و ظهور حضرت ولی عصر (عج) تفاوتی ندارد، بلکه وظایف زمان غیبت، اموری می باشد که غیبت آن حضرت، آنها را ایجاب می نماید، که اگر غیبت حضرت نبود، این امور نیز نبود تا در قبال آن وظیفه‌ای لازم آید.

آنچه از روایات در این باره استفاده می شود، وظایف منتظران ظهور امام غائب (عج) را می توان

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۰۵ - ۱۰۴؛ کمال الدین: ج ۲، ص ۳۵۰: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ» فقلت له: ما يصنع الناس في ذلك الزمان؟ قال: «يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ».



چنین بر شمرد:

انتظار واقعی برای فرج، و دعا برای آن، و برای  
وجود مقدّس آن حضرت، صدقه دادن برای  
سلامتیشان، آمادگی کامل برای ظهور، و صبور بودن  
برای آن.

مواظبت و پایداری در حفظ ایمان و اعتقاد صحیح،  
و توبه از گناهان.

صبر بر ناملایمات و شدائد روزگار.

تقیّه در مواقع آن.

پرهیز از ورود در فتنه‌های آخر الزّمان.

کوشش در کناره‌گیری از مفسدان در صورت عدم

امکان تغییر آنان.

دوری از بدعت گزاران.

اجتناب از ورود در قیام‌ها برای رسیدن به مال و



جاه و مقام.

تکذیب کسانی که وقت ظهور را معین می‌کنند.

تکذیب کسانی که (با انگیزه‌ی سوء استفاده)

ادّعی تشرّف به محضرش را دارند.

اطمینان به وعده‌های خدای سبحان و

فرستادگان معصومش مبنی بر پیروزی نهایی و

کامل حقّ بر باطل، و برقراری حکومت عدلی الهی و

جهانی.

و بالأخره باور واقعی این کلام نورانی پروردگار که

فرموده:

«در «زبور» بعد از «ذکر» (تورات) نوشتیم که:

بندگان شایسته‌ام وراث (حکومت) زمین خواهند شد.»

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱)

ای سلیمان زمان، پادشاه عرش و مکان  
خاتم ملک تو تا کی به کف اهر من است  
ای همای ملاء قدس و حمام جبروت  
تا به کی روضه‌ی دین مسکن زاغ و زغن است  
ای رخت قبله‌ی توحید، درت کوی امید  
تا به کی کعبه‌ی دل‌ها همه بیت الوثن است (۲)

۱- سوره‌ی انبیاء؛ آیه‌ی: ۱۰۵.

۲- دیوان کمپانی: ص ۳۱۳.



## ● نشانه‌های ظهور:

روایات بسیاری درباره‌ی نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر (عج) بیان شده که می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱- نشانه‌های سال ظهور - یا سال قبل از ظهور - .

۲- علائم نزدیک ظهور.

۳- نشانه‌های عمومی که در اعصار و دوران‌های

مختلف پدید می‌آید.

و در این اوراق معدود، تنها به دوروایت درباره‌ی

نشانه‌های عمومی ظهور آن حضرت بسنده می‌شود؛





که اکثر آنها در این زمان واقع شده است.

«عبدالله عباس» می‌گوید:

با پیامبر خدا که در آخرین سالی که حج بیت الله الحرام نمودند همراه بودیم، آن حضرت حلقه‌ی درب کعبه را گرفت و به ما رو کرد و فرمود: آیا شما را از نشانه‌های آخر الزمان آگاه نسازم؟

سلمان که آن روز از همه‌ی ما به حضرتش نزدیکتر بود، عرض کرد: بفرمائید یا رسول الله ﷺ! حضرت فرمود: از جمله‌ی علامت‌های آخر الزمان این امور است:

ضایع نمودن و سبک شمردن نماز.

پیروی شهوات و تمایل هواهای نفسانی.

احترام نمودن ثروتمندان.

دین به دنیا فروختن و در آن هنگام، قلب مؤمن



در درونش آب می شود مانند آب شدن نمک در آب  
به سبب عدم توانایی مبارزه و مخالفتش با  
انحرافات و تغییر دادن آنها.

سلمان: یعنی، چنین روزی خواهد آمد یا  
رسول الله ﷺ؟

رسول خدا ﷺ: آری، ای سلمان، سوگند به آنکه  
جانم در اختیار اوست در آن زمان زمامداران  
طغیانگر، وزیران عصیانگر، مأموران ستمگر و  
خیانتکاران امین نما حکمرانی نمایند.

در آن روز، زشتیها، ستوده شود و خوبیها  
نکوهیده، خیانتکاران امینند و به امینها خیانت  
می شود، دروغگو پسندیده است، اما راستگو  
بی اعتبار.

سلمان: آیا واقعاً چنین روزی فرا می رسد!؟



حضرت: آری، ای سلمان؛ به خدا در آن روز، زنان حکمرانی می‌کنند، نوکران و کنیزان صلاح بینان اجتماعند، کم سنّ و سالان (سنتی و عقلی) منبرها و تریبون‌های تبلیغی را اشغال می‌کنند، دروغ گفتن را خوب و لازم می‌دانند، پرداخت حقوق شرعی مالی خود را ضرر و زیان می‌شمارند و بیت‌المال را صرف امور شخصی خودشان می‌نمایند. به پدر و مادرشان ستم روا می‌دارند و به دوستانشان نیکوکارند. در آن زمان ستاره‌ی دنباله‌دار طلوع می‌نماید.

سلمان (که نمی‌تواند این کردارهای مسلمین آینده را باور نماید، با ناباوری) می‌گوید: ای پیامبر ﷺ می‌فرماید: آیا به این صورت خواهد شد!؟.



رسول خدا ﷺ می فرماید: آری، ای سلمان، به خدا قسم در آن روز زن با همسرش در کسب و کار مشارکت نماید، باران های زیانبار بارد، مردمان کریم، خشن و تندخو شوند؛ تهی دستان را تحقیر کنند، بازارها به هم نزدیک شوند، کاسبی گوید: فروشی نکرده ام، و دیگری گوید: سودی نبرده ام (و ناشکری کنند).

سلمان: آیا واقعاً اینطور می شود؟

پیامبر ﷺ: ای سلمان، قسم به آنکه جانم در دست اوست، در آن روز گروهی حکمرانی می کند که اگر افرادی از حق دفاع کنند اعدامشان نمایند، و اگر سکوت کنند، از سکوتشان سوء استفاده کرده و حق را پایمال نموده و به مال و حرمتشان تعدی روا دارند، خون مردم را بر زمین ریزند و دل هایشان را



پراز ترس و هراس نمایند، در آن وقت مردمان  
حقگو را نمی‌بینی، مگر وحشت زده و مرعوب و  
ترسان که از ترس فرار می‌کنند.

سلمان: آیا واقعاً چنین می‌شود!!؟

پیامبر ﷺ: آری، سوگند به آنکه جانم در اختیار  
اوست، در آن روز چیزی از شرق و چیزی از غرب  
بیاورند که با آنها ائمتّم را ملامت نمایند. [ائمتّم را  
متلّون گردانند]؛ وای بر ضعیفان ائمتّم از دست آنان،  
و وای بر آن‌ها از عذاب الهی.

آن روز به کوچک‌ترها رحم نمی‌کنند و به  
بزرگ‌ترها حرمتی قائل نمی‌شوند، مردم کم‌گذشت  
شده و از خطاهای هم چشم‌پوشی نمی‌کنند،  
بدن‌ها و قیافه‌ها انسانی است ولی دل‌ها و جان‌ها  
شیطانی!





سلمان: آیا چنین روزی فرا می‌رسد!!؟.

رسول خدا ﷺ: آری، ای سلمان، به خدا قسم در آن روز، مردها نیاز جنسیشان را با مردان برآورند و زنان با زنان؛ با پسران همان کنند که با دختران در خانه‌ی شویشان؛ مردان خود را شبیه زنان سازند، و زنان خود را مشابه مردان نمایند؛ زنان بر مرکب‌ها نشینند و وسایل سواری برانند؛ پس لعن و نفرین خداوند بر این زنان امّتم باد.

سلمان (که به شدت شگفت زده شده بود، با حیرت و تعجب پرسید): آیا واقعاً این امور رخ می‌دهد!!!؟.

رسول خدا ﷺ: بلی، ای سلمان، به آفریدگارم سوگند در آن روز مسجدها مانند کنیسه‌ها و کلیساها نقاشی و تزئین می‌شود و قرآن‌ها را نقش و



نگاردار می‌کنند؛ مناره‌های مساجد را بلند  
می‌سازند؛ صف‌های نمازها زیاد و فشرده و دل‌ها و  
زبان‌ها از دورویی و نفاق آکنده است.

سلمان: آیا چنین می‌شود!!!؟

پیامبر ﷺ: آری، ای سلمان، به خدا در آن روز  
مردان امتم با طلا زینت نمایند و لباس حریر و دیبا  
بر تن نمایند؛ و پوست پلنگ (و حیوانات حرام  
گوشت) ارزشمند شود و بر آن نشینند. آشکارا ربا  
خورند و در معاملاتشان به صورت «عِئْه»<sup>(۱)</sup> عمل  
نمایند و رشوه دهند و ستانند. دینشان را رها کرده

۱- بدهکاری چیزی را بخرد و شرط کند که مدتی بعد قیمتش  
را بدهد، سپس با قیمتی کم‌تر نقد بفروشد تا بتواند بدهکاری  
قبلی خود را بپردازد، و این بدهی دوّمش را «عِئْه» گویند. (یا  
شخصی کالایی را نسیه بخرد و در موعد پرداخت قیمتش به  
همان فروشنده به قیمت روز یا بیشتر بفروشد).



و به دنیایشان پردازند.

در آن روز طلاق زیاد شود؛ حدود الهی تعطیل گردد، گرچه به خداوند ضرری نرسد (و خود ضرر بینند)؛ در آن هنگام نوازندگان و هنرپیشه‌گان و آلات لهو و لعب و نوازندگی نمایان شوند، و شرورترین افراد امّت دنیالهروشان گردند.

سلمان: آیا مسلمین گرفتار چنین اوضاعی

می‌شوند!!!؟

رسول اکرم ﷺ: آری، ای سلمان، به خدا در آن

زمان، ثروتمندان امّت برای گردش و تفریح به حج

روند، و طبقه‌ی متوسط برای تجارت و تهی‌دستان

برای ریا و خودنمایی؛ در آن هنگام اقوامی پیدا

شوند که قرآن را برای غیر خدا فراگیرند و با آن

همچون آلات لهو رفتار نمایند و آن را با غنا



خوانند، و اقوامی روی کار آیند که برای غیر خدا فقه و علم دین آموزند؛ کودکان نامشروع زیاد شوند و برای دنیا بر یکدیگر سبقت گیرند (با متاع دنیا آخرت خود را بفروشند).

سلمان: آیا چنین می شود!!!؟.

رسول خدا ﷺ: آری، ای سلمان، سوگند به آنکه جانم در دست قدرت اوست؛ آن روز احترام و حرمت خویشان از بین برود؛ به انجام زشتی‌ها و گناهان پردازند؛ ستمگران بر شایستگان مسلط شوند؛ دروغ و لجاجت زیاد و علنی شود و صورتی عادی به خود گیرد؛ نیازمندان فقرشان را کتمان کنند و با لباسشان بر یکدیگر فخر فروشند و فزونی جویند.

باران در غیر فصلش بیارد؛ بازی نرد و شطرنج را





نیکو و بی‌اشکال شمارند؛ امر به معروف و نهی از منکر چنان فراموش شود (تا جایی که فرد با ایمان در آن زمان خوارترین فرد امت است و ذلیل‌تر از کنیز و بنده. قاریان قرآن و عابدان با دگران (در عصیان) متفقند. [به یکدیگر بدگویی کنند] اینانند که فرشتگان آسمان‌ها نجس و پلیدشان خوانند.

سلمان: آیا این امور رخ می‌دهد!!!؟.

پیامبر ﷺ: بلی، ای سلمان، سوگند به آنکه جانم در دست اوست، آن زمان تنها ترس ثروتمندان از این است که مستمندان از آنان چیزی بخواهند تا بدانجا که میان دو جمعه کسی نباشد که به دست نیازمندی چیزی دهد و بی‌نیازش سازد.

سلمان: آیا همه این‌ها واقع می‌شود!!!؟.





رسول خدا ﷺ: آری، به خدا سوگند ای سلمان  
در آن زمان «روبیضه» سخن سرایی نمایند.  
سلمان: یا رسول الله، پدر و مادرم به فدایت،  
«روبیضه» چیست؟

حضرت: کسانی هستند که لیاقت و اهلیت  
دخالت و گفتگو و تصمیم‌گیری برای امور مردم را  
ندارند، زمامداریشان ناپایدار است، طولی نکشد که  
فریادی از زمین برخیزد چنان که هر گروهی تصور  
کنند در منطقه‌ی آنهاست باز مدتی را به همان  
حالتشان می‌مانند تا آن هنگام که خدا خواهد؛  
زمین طلا و نقره و معادنش را بر ایشان مانند این  
ستونها - اشاره به ستونهای مسجد الحرام - بیرون  
ریزد ولی از آنها بهره‌نبرند. این است معنی کلام  
الهی که فرموده:

«فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا» (۱)

«هم اکنون نشانه‌های (نزدیک شدن) قیامت آمده

است.»

امام صادق علیه السلام درباره‌ی علائم ظهور فرموده:

۱- آنگاه که دیدی حق مرده، و حقگو از میان

رفته.

۲- و دیدی که ستم فراگیر شده.

۳- و دیدی که قرآن فرسوده گردیده، و

بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاہیمش آمده.

۴- و دیدی که دین بی محتوا شده، مانند ظرفی

که آن را واژگون سازند.

۱- سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۱۸: تفسیر قمی: ج ۲، ص ۳۰۳ تا

۳۰۷؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۸۴ - ۱۸۳؛ تفسیر صافی: ج ۵،

ص ۲۵ تا ۲۷؛ تفسیر نورالثقین: ج ۵، ص ۳۴ تا ۳۷؛ تفسیر

کنزالدقائق: ج ۹، ص ۵۰۱ تا ۵۰۴.



۵- و دیدی که اهل باطل بر حقگویان بزرگی  
جویند.

۶- و دیدی که شر آشکار است و از آن جلوگیری  
نمی‌شود، و هر که کار زشت انجام دهد معذورش  
دارند.

۷- و دیدی که فسق نمایان گردیده و (در امور  
جنسی) مردان به مردان، و زنان به زنان اکتفا کنند.  
۸- و دیدی که فرد با ایمان سکوت اختیار کرده  
و سخنش را نپذیرند.

۹- و دیدی که فاسق دروغ گوید، و کسی دروغ و  
افترایش را بر او بازنگرداند.

۱۰- و دیدی که بچه‌ی کوچک، مرد بزرگ را  
سبک و خوار شمارد.

۱۱- و دیدی که پیوند خویشاوندی بریده شده.



- ۱۲- و دیدی هر که را به کار بد بستانید خرسند  
شود و سخن گوینده را به خودش بازنگرداند.
- ۱۳- و دیدی که پسر بچه همان کند که زن  
انجام دهد (و آرایش نماید).
- ۱۴- و دیدی که زنان با زنان تزویج نمایند.
- ۱۵- و دیدی که مدّاحی و چاپلوسی زیاد شده.
- ۱۶- و دیدی که مرد مالش را در غیر راه خدا  
خرج کند و کسی از او جلوگیری نکند.
- ۱۷- و دیدی که فردی، چون شخص با ایمانی را  
ببیند از تلاش و کوشش او به خدا پناه برد.
- ۱۸- و دیدی که همسایه، همسایه‌ی خود را  
اذیت کند و مانعی برای او در این کار نباشد.
- ۱۹- و دیدی که کافر خوشحال است از آنچه در  
مؤمن می‌بیند و شاد است از این که در روی زمین



فساد و تباهی بیند.

۲۰- و دیدی که آشکار شراب نوشند، و برای نوشیدنش گرد هم آیند، کسانی که از خدای عزوجل نمی ترسند.

۲۱- و دیدی که امر به معروف کنند خوار است.

۲۲- و دیدی که فاسق در آنچه خدا دوست ندارد نیرومند و ستوده است.

۲۳- و دیدی که اهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد، خوار است.

۲۴- و دیدی که راه خیر بسته شده است، و راه شرّ مورد توجه قرار گرفته.

۲۵- و دیدی که خانه کعبه تعطیل شده و دستور به ترک آن داده می شود.

۲۶- و دیدی که مرد به زبان گوید آنچه را انجام



ندهد.

۲۷- و دیدی که مردان خود را برای استفاده مردان فریبه کنند، و زنان برای زنان.

۲۸- و دیدی که زندگی مرد از پس او اداره گردد، و زندگی زن از جلوی او.

۲۹- و دیدی که زنان مانند مردان برای خود مجالسی ترتیب دهند.

۳۰- و دیدی که در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی آشکار گشته (و خود را چون زنان آرایش و زینت نمایند).

۳۱- و دیدی که به مردها پول می دهند که با آنها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند.

۳۲- و دیدی که شخص ثروتمند از فرد با ایمان عزیزتر است.



۳۳- و دیدی که رباخواری آشکار است و رباخوار  
مورد ملامت قرار نمی‌گیرد.

۳۴- و دیدی که زنها به عمل زنا مباهات کنند.

۳۵- و دیدی که زن برای نکاح مردان با شوهر  
خود همکاری کند.

۳۶- و دیدی که بیشتر مردم و بهترین خانه‌ها  
آن باشد که به زنان در هرزگیشان کمک کنند.

۳۷- و دیدی که مؤمن به خاطر ایمانش غمناک  
و پست و خوار گردد.

۳۸- و دیدی که بدعت و زنا هویدا شود.

۳۹- و دیدی که مردم به شهادت ناحق اعتماد  
کنند.

۴۰- و دیدی که دستورات دینی طبق تمایلات  
اشخاص تفسیر گردد و عمل به قرآن و احکامش



تعطیل شود.

۴۱- و دیدی که حرام، مجاز و حلال تحریم شود.

۴۲- و دیدی که مردم در ارتکاب گناه چنان

جری شده‌اند که منتظر رسیدن شب نمی‌مانند.

۴۳- و دیدی که مؤمن نتواند کار بد را نکوهش

کند مگر با قلبش.

۴۴- و دیدی که مال زیاد در راه غضب الهی

خرج شود.

۴۵- و دیدی که زمامداران به بی‌ایمانان نزدیک

شوند و از نیکان دوری گزینند.

۴۶- و دیدی که والیان در داوری رشوه ستانند.

۴۷- و دیدی که پستهای حساس دولتی به

مزایده‌گذارده شود.

۴۸- و دیدی که مردم با محارمشان عمل



نامشروع انجام دهند.

۴۹- و دیدی که مرد با تهمت و سوءظنّ اعدام می‌گردد.

۵۰- و دیدی که مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می‌کند و خود و اموالش را در اختیارش می‌گذارد.

۵۱- و دیدی که مرد به خاطر آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار گیرد (که چرا با مردان آمیزش نمی‌کند).

۵۲- و دیدی که مرد از کسب زنش از هرزگی نان می‌خورد، و آن را می‌داند و به آن تن می‌دهد.

۵۳- و دیدی که زن بر مردش مسلط شود و کاری را که مرد نمی‌خواهد انجام می‌دهد و به شوهرش خرجی دهد.

۵۴- و دیدی که مرد، زن و کنیزش را (برای زنا)





کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در  
می دهد.

۵۵- و دیدی که سوگندهای ناحق به نام خدا  
بسیار گردد.

۵۶- و دیدی که قمار آشکار شود.

۵۷- و دیدی که شراب را بدون مانع علناً  
بفروشند.

۵۸- و دیدی که زنان مسلمان خود را در اختیار  
کافران می گذارند.

۵۹- و دیدی که مردم شریف را خوار کند کسی  
که از قدرتش می ترسند.

۶۰- و دیدی که نزدیکترین مردم به  
فرمانروایان کسی است که به دشنام گویی ما  
خانواده (اهل بیت علیهم السلام) ستایش شود.





۶۱- و دیدی که هرکس ما را دوست دارد  
دروغگویش دانند و شهادتش را نپذیرند.

۶۲- و دیدی که مردم بر سرگفتن حرف ناحق با  
همدیگر رقابت کنند.

۶۳- و دیدی که شنیدن قرآن بر مردم سنگین و  
گران آید، و در عوض شنیدن سخنان باطل بر آنان  
آسان است.

۶۴- و دیدی که همسایه از ترس زبان همسایه  
به او احترام می‌نماید.

۶۵- و دیدی که حدود الهی تعطیل شده، و در  
آن طبق دلخواهشان عمل کنند.

۶۶- و دیدی که مساجد طلاکاری و زینت شده.

۶۷- و دیدی که راستگوترین مردم نزدشان  
مفتریان دروغگو می‌باشند.





۶۸- و دیدی که شرّ و سخن چینی آشکار گشته.

۶۹- و دیدی که ستمکاری شیوع یافته.

۷۰- و دیدی که غیبت را سخن نمکین شمارند

و مردم همدیگر را بدان مژده دهند.

۷۱- و دیدی که برای غیر خدا به حجّ و جهاد

روند.

۷۲- و دیدی که حکمران به خاطر فرد بی

ایمان، مؤمن را خوار کند.

۷۳- و دیدی که خرابی و ویرانی بیش از عمران

و آبادی است.

۷۴- و دیدی که زندگی مرد از کم فروشی اداره

می شود.

۷۵- و دیدی که خونریزی را سهل و آسان

شمارند.



۷۶- و دیدی که مرد برای منافع دنیوی ریاست

می‌طلبید، و خود را به بد زبانی مشهور می‌سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذارند.

۷۷- و دیدی که نماز را سبک شمارند.

۷۸- و دیدی که مرد ثروت بسیار دارد، ولی از

وقتی که آن را یافته، زکاتش را نپرداخته است.

۷۹- و دیدی که قبر مرده‌ها را بشکافند و آنها را

بیازارند و کفن‌هایشان را بفروشند.

۸۰- و دیدی که آشوب و بلوا بسیار است.

۸۱- و دیدی که مرد روز خود را با نشئه به شب

برد، و شب را با مستی صبح نماید، و به آنچه مردم

درباره‌اش گویند اعتنایی ننماید.

۸۲- و دیدی که با حیوانات عمل زشت انجام

دهند.



۸۳- و دیدی که حیوانات همدیگر را بدرند.

۸۴- و دیدی که مرد به مصلی می‌رود، ولی چون بر می‌گردد جامه در تن ندارد.

۸۵- و دیدی که دل مردم سخت و چشمانشان خشک شده و یاد خدا برایشان سنگین آید.

۸۶- و دیدی که کسب‌های حرام شیوع یافته و بر سر آن رقابت کنند.

۸۷- و دیدی که نماز خوان برای ریا و خودنمایی نماز می‌خواند.

۸۸- و دیدی که فقیه برای غیر دین فقه آموزد و دنیا و ریاست را طلب کند.

۸۹- و دیدی که مردم دور کسی را گرفته‌اند که قدرت دارد.

۹۰- و دیدی که هرکس روزی حلال جوید مورد



سرزنش قرار گیرد، و جوینده‌ی حرام مورد ستایش و تعظیم است.

۹۱- و دیدی که در مگه و مدینه کارهایی می‌کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کس آنها را از این عمل زشت باز نمی‌دارد.

۹۲- و دیدی که آلات لهو و لعب (حتی) در مگه و مدینه آشکار گردد.

۹۳- و دیدی که مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی دیگران او را نصیحت کنند و بگویند: «این کار بر تو لازم نیست».

۹۴- و دیدی که مردم به همدیگر نگاه کنند (چشم و هم چشمی نمایند) و پیرو مردم بدکار گردند.





۹۵- و دیدی که راه خیر به کَلّی خالی است و کسی از آن راه نمی‌رود.

۹۶- و دیدی که مرده را به مسخره گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نشود.

۹۷- و دیدی که هر سال بدعت و شرارت بیشتر شود.

۹۸- و دیدی که مردم و انجمنها فقط از توانگران پیروی کنند.

۹۹- و دیدی که به فقیر چیزی بدهند که به او بخرند، و برای غیر خدا به او ترحم نمایند.

۱۰۰- و دیدی که نشانه‌های آسمانی پدید آید ولی کسی از آن نهراسد.

۱۰۱- و دیدی که مردم در حضور جمع، مانند حیوانات مرتکب اعمال جنسی شوند، و هیچ کس



از ترس مردم، کار زشت را انکار نکنند.

۱۰۲- و دیدی که مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج کند ولی در مورد اطاعت پروردگار از کم هم دریغ ورزد.

۱۰۳- و دیدی که آزردن پدر و مادر آشکار گردد و مقامشان را سبک شمارند، و حال آنها نزد فرزند از همه بدتر باشد، و از اینکه به آنها افترا زده شود خوشحال شوند.

۱۰۴- و دیدی که زنها حاکم شوند و پستها را اشغال نمایند، و کاری پیش نرود جز آنچه طبق دلخواهشان باشد.

۱۰۵- و دیدی که پسر به پدر خود افترا زند و به پدر و مادر خود نفرین کند و از مرگشان خوشحال شود.



۱۰۶- و دیدی که اگر روزی بر مردی سپری شود  
که در آن گناه بزرگی مرتکب نشده مانند هرزگی، کم  
فروشی، انجام کار حرام یا میخوارگی، در آن روز  
غمگین است و خیال می‌کند که روزش بیهوده هدر  
رفته و عمرش تلف شده.

۱۰۷- و دیدی که حکمران، موادّ غذایی را  
احتکار کند.

۱۰۸- و دیدی که ثروت خویشان پیامبر  
(خمس) به ناحق تقسیم شود، و بدان قمار بازی و  
میخوارگی نمایند.

۱۰۹- و دیدی که با شراب مداوا کنند و برای  
بیمار تجویز نمایند و بدان بهبودی جویند.

۱۱۰- و دیدی که مردم در ترک امر به معروف و  
نهی از منکر و بی‌عقیدگی یکسان شوند.

۱۱۱- و دیدی که منافقان و اهل نفاق سر و  
صدایی دارند و اهل حقّ بی‌سر و صدایند.



۱۱۲- و دیدی که برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد گیرند.

۱۱۳- و دیدی که مسجدها پراست از کسانی که ترس از خدا ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد آیند و در آنجا توصیف شراب مست کننده را نمایند.

۱۱۴- و دیدی که فرد مست که عقلش زایل شده بر مردم پیشنماز شود، و به مستیش ایراد نگیرند، و چون مست گردد، گرامیش دارند.

۱۱۵- و دیدی که هرکس مال یتیم بخورد شایستگی او را بستانید.

۱۱۶- و دیدی که قضات بر خلاف دستور خدا داوری کنند.

۱۱۷- و دیدی که زمامداران از روی طمع خیانت کاران را آمین خود سازند.

۱۱۸- و دیدی که فرمانروایان میراث (یتیمان)



را به دست افراد بدکار و بی باک داده‌اند، از آنها حق و حساب گیرند و جلوییشان را رها سازند تا هرچه می‌خواهند انجام دهند.

۱۱۹- و دیدی که بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور دهند، ولی خود گوینده به آنچه می‌گویند عمل نمی‌نماید.

۱۲۰- و دیدی که وقت نمازها را سبک شمارند.  
۱۲۱- و دیدی که صدقه را با وساطت دیگران به اهلش دهند، و به خاطر رضای خدا ندهند، بلکه به سبب درخواست و اصرار مردم بپردازند.

۱۲۲- و دیدی که تمام هم و غم مردم شکم و عورتشان است، باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند.

۱۲۳- و دیدی که دنیا به آنها روی آور شده.

۱۲۴- و آنگاه که دیدی نشانه‌های حق پاره گردیده.

در چنین موقعی مواظب خود باش و نجاتت را از





خداوند بخواه، و بدان که مردم با این نافرمانیها مستحق عذابند، اگر عذاب بر آنها فرود آمد و تو در میانشان بودی باید بشتابی به سوی رحمت حق تا از کیفری که آنها به واسطه‌ی سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند بیرون بیایی، و بدان که:

«خداوند پاداش نیکوکاران را تباه ننماید.»

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>(۱)</sup>

(و بدان که): «مهر و رحمت الهی به نیکوکاران

نزدیک است.»

«إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>(۲)</sup>

۱- سوره توبه، آیه‌ی: ۱۲۰.

۲- سوره اعراف، آیه‌ی: ۵۶: روضه کافی: ج ۸، ص ۳۷ تا ۴۲.  
بحار الانوار: ج ۵۲: ص ۲۵۶ تا ۲۶۰. تفسیر المیزان: ج ۵، ص ۳۹۷ تا ۴۰۰.



## ● علت غیبت:

خلاصه‌ی مضمون روایاتی که سبب طولانی بودن غیبت آن حضرت را بیان نموده عبارت است از:

۱ - مصالح عالی‌های که تنها خداون حکیم و معصومین علیهم‌السلام از آن آگاه بوده‌اند، و از جانب پروردگار اجازه‌ی افشای آن را برای مردم - که فاقد قدرت راز دارینند - نداشتند و پس از ظهور آن حضرت مشخص خواهد شد.

۲ - حفاظت وجود گرانقدرشان از کشته شدن و

خالی ماندن زمین از حجت الهی.

۳- برگردن نداشتن بیعت و متابعت (اجباری) هیچ ستمگری.

۴- امتحانی بزرگ برای شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

۵- عدم آمادگی و پذیرش حقیقی شیعیان و بی لیاقتی و اختلافشان با یکدیگر، و ارتکاب معاصی.

علتی که اینک کاملاً برای ما محسوس و قابل لمس است و سبب محرومیتمان از افتخار درک حضورش می باشد و بیان درر بار خودشان و برخی از اجداد ظاهرینشان نیز بر آن تأکید نموده، همین علت اخیر است.

امام محمد باقر علیه السلام در این باره خطاب به شیعیان

فرموده:

«... شما مردمی می‌باشید که قلباً دوستدار ما هستید، ولی عملتان با آن دوستیتان سازگاری ندارد، به خدا سوگند اختلاف یاران ما اصلاح نمی‌شود و به همین جهت، صاحبان از دیدگانتان پنهان می‌گردد...»  
«وَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلَكُمْ،  
وَ اللَّهُ مَا يَسْتَوِي اخْتِلَافُ أَضْحَابِكَ، وَ لِهَذَا سَتَرَ عَلَيَّ  
ضَاحِيَتَكُمْ...» (۱)

در فراز مذکور از این کلام نورانی، به این نکات

اشاره شده:

۱- آنچه مهم است و سبب رضایت الهی و خوشنودی معصومین عليه السلام از پیروانشان می‌گردد، ابراز علاقه و دوستی ظاهری نمی‌باشد، بلکه باید



رفتار و گفتار شیعیان به دور از هر گونه گناه و  
معصیت باشد، بدان سان که مورد پسند معصوم علیه السلام  
قرار گیرد.

آن که خود را پیرو اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام  
می داند، باید از آنچه موجب ناخرسندی آنان است  
به شدت پرهیز نماید، در این صورت دوستی و  
علاقه واقعی و حقیقی خواهد بود و ارزشمند  
می باشد.

و یکی از بزرگترین منافع آن این است که سبب  
محرومیت از درک فیوضات حضور امام غائبان  
نخواهیم شد.

حضرت ولی عصر (عج) در فرازی از توفیق  
شریفشان که برای عالم بزرگ جهان اسلام، شیخ  
بزرگوار «مفید» - اعلی الله مقامه - در بیست و سوم





ذی الحجّہی سال چهارصد و دوازده قمری صادر  
فرمودند، علّت غیبتشان را چنین بیان فرموده‌اند:  
«اگر شیعیان و پیروان ما - که خداوند توفیق طاعت  
و بندگیشان دهد - در انجام پیمانی که بر عهده دارند،  
یکدل و یکصدا بودند، میمنت ملاقاتمان برایشان به  
تأخیر نمی‌افتد و زودتر سعادت دیدارمان را می‌یافتند،  
اگر شناختی واقعی و صداقتی حقیقی نسبت به ما  
داشتند.

ما را از ایشان دور نمی‌نماید، مگر آن کردارهایشان  
که خوشایندمان نیست و بر آنان نمی‌پسندیم.»

«لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَيَّ اجْتِمَاعٍ  
مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ  
الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى  
حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.



فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا  
نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ» (۱)

آنچه در قسمت مذکور از کلام شریف آن حضرت  
- که به حق برای هر فرد مدعی پیرویش تأسف بار و  
دردناک است - و باید با دقت کافی مورد تنبّه و  
توجه عمیق و دقیق قرار گیرد عبارت است از:

۱ - یکدلی و انسجام شیعیان در وفای به  
عهدشان با پروردگار و پیامبر و ائمه‌ی  
معصومینشان است که گام برداشتن در راه مستقیم  
اسلام راستین به دور از انحرافات و پیرایه‌هاست که  
موجب توفیق دیدارش را فراهم خواهد نمود.

طبق روایات اسلامی در عصر هر امام معصومی



۱- مزار شیخ مفید: ص ۱۱؛ تهذیب الأحکام: ج ۱، ص ۴۰؛  
احتجاج: ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۷.



تمام رفتار و کردار مردم توسط فرشتگان موکل این امر به محضر امام زمانشان عرضه می شود.

از این رو با دنیایی از تأسف و درد این کلام گوهرین آخرین حجّت الهی در زمین را می شنویم که می فرمایند:

«علّت پنهان بودنمان از شیعیان، کردارهای

ناپسندشان است!»

حقاً که اگر پیرو آن حضرت از این جمله‌ی غمبار، غالب تهی کند رواست؛ واقعاً چگونه به خود اجازه می دهیم با اعمالمان امام زمانمان را از خود ناراحت سازیم و آنگاه دم از علاقه‌ی به او بزنیم و خود را منتظرش بخوانیم که خودمان سبب نیامدنش می باشیم! و به تعبیر مرحوم «خواجه نصیرالدین طوسی» در «تجرید»:



«وجود آن حضرت لطف الهی برای ماست، و  
دخالتش در امور لطفی دیگر، و سبب غیبتش خود ما  
هستیم.»<sup>(۱)</sup>

امید آنکه فرد فردمان، در گفتار و رفتار، در ظاهر  
و باطن، خود را دگرگون و مهدی پسند نمائیم، تا  
بلکه در حدّ توان، این مانع بزرگ توفیق درک  
حضور آن حجّت یزدان و رهبر راستین زمان را بر  
طرف سازیم؛ آمین.

«پروردگارا: به درگاہت شکوه می‌کنیم از فقدان  
پیامبران و پنهان بودن امامان و زیادی دشمنانمان و  
اندک بودن نفراتمان و از فشار سختی‌ها و فتنه‌ها و  
غلبه‌ی اهل زمان بر زیانمان.»

۱- کشف المراد: ص ۵۰۷: «وَجُودُهُ لُطْفٌ، وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَ  
عَدَمُهُ مِثْلٌ.»



بارالها: به روان پاک محمد و دودمانش درود فرست،  
و ما را در همه‌ی امور یاری فرما با گشایشی سریع و  
زدودن ناراحتی، و کمکی که با عزت توأم نمایی و با  
حکومت حقی که آشکارش فرمایی.»

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

وَ آلِهِ - وَ غَيْبَةَ وَّلِيِّنَا، وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ

الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ، وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ بِضُرٍّ

تَكْشِفُهُ وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَ سُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ» (۱)





## ● منابع و ماخذ:

۱- قرآن کریم.

۲- الارشاد: محمد بن النعمان (شیخ مفید)؛

علمیہ اسلامیہ، تہران.

۳- احتجاج: احمد الطبرسی؛ نعمان، نجف.

۴- اعلام الوری: فضل بن الحسن الطبرسی؛

اسلامیہ، تہران.

۵- اقبال الأعمال: علی بن طاوس؛ دارالحجّہ،

قم.

۶- بحار الأنوار: محمد باقر مجلسی؛ اسلامیہ تہران.



٧- تفسير الميزان: محمد حسين طباطبائي؛ نشر

الاسلامى قم.

٨- تهذيب الأحكام: محمد بن الحسن الطوسي؛

اسلاميه، تهران.

٩- خصائص الأئمة: سيد رضی؛ مجمع البحوث

الاسلاميه، مشهد.

١٠- ديوان كمپانى: محمد حسين غروى؛ حق

بين، قم.

١١- راه مهدي (عج): سيد رضا صدر؛ دفتر

تبليغات، قم.

١٢- شرح نهج البلاغه: ابن ابى الحديد؛

اسماعيليان، قم.

١٣- شوق مهدي عليه السلام: محمد محسن فيض؛

دارالكتب الاسلاميه.



١٤- عيون اخبار الرضا عليه السلام: محمد بن بابويه

القمي (شيخ صدوق)، جهان، تهران.

١٥- غررالحكم و دررالکلم: عبدالواحد آمدی؛

دارالکتاب، قم.

١٦- غيبت نعماني: محمد بن النعمان (شيخ

مفيد)؛ صدوق، تهران.

١٧- غيبت طوسي: محمد بن الحسن الطوسي

(شيخ طوسي)؛ نينوي، تهران.

١٨- قرب الأسناد: عبدالله الحميري؛ آل البيت،

قم.

١٩- كافي: محمد بن يعقوب بن اسحاق الكليني؛

دارالكتب الاسلاميه، تهران.

٢٠- كمال الدين و تمام النعمه: محمد بن بابويه

القمي (شيخ صدوق)؛ نشر الأسلامي، قم.



٢١- مزار شيخ مفيد: محمد بن نعمان، مدرسة  
الامام المهدي (عج)، قم.

٢٢- مناقب آل أبي طالب: ابن شهر آشوب؛  
حيدريه، نجف.

٢٣- من لا يحضره الفقيه: محمد بن بابويه  
القمي (شيخ صدوق)؛ نشر الأسلامي، قم.

٢٤- نهج البلاغه: گردآوری: سيّد رضی (با  
تحقيق عبده)؛ دارالمعرفه، بيروت.

٢٥- ينابيع الموده: سليمان قندوزي، أسوه، قم.

## ● برخی از آثار چاپی نویسنده:

تفسیر سوره‌ی حمد و توحید، رقعی، ۱۱۰ صفحه.

تفسیر سوره‌ی قدر، رقعی، ۱۰۰ صفحه.

چهل درس خوشبختی (شرح چهل حدیث از

ائمّه‌ی معصومین علیهم‌السلام، جیبی، ۹۴ صفحه.

حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام، وزیری،

۲۷۲ صفحه.

سیمای ابوذر غفاری، وزیری، ۵۰۰ صفحه

سیمای سلمان، رقعی، ۳۰۰ صفحه

صحیفه‌ی اسلام (شرح جامع‌ترین وصایای





رسول اکرم ﷺ) وزیری، ۵۴۲ صفحه.

روزگار پس از مرگ - احتضار، برزخ و قیامت -  
(در سه جلد آماده‌ی چاپ).

و ده‌ها اثر تحقیقی، ویرایشی و رساله و مقاله که  
از آن جمله:

زندگانی دانشمندان (قصص العلماء مرحوم  
علامه‌ی تنکابنی)، وزیری، ۴۸۷ صفحه.

تأسیسات - در قواعد فقهی - (مرحوم علامه‌ی  
تنکابنی)، وزیری، ۲۰۰ صفحه.

سیر و سلوک (اوصاف الأشراف مرحوم علامه  
خواجه نصیرالدین طوسی)، رقعی، ۱۲۰ صفحه.

...

